

# هنر خوشنویسی و تذهیب در قرآن

نوشته‌ی : " مارتین لینگز "  
برگردان : حسن معتمدی شاد

## خط نسخ

هیچ یک از خطوطی را که تا بحال مورد بررسی قرار دادیم از لحاظ روانی و خوانایی خط‌مورد توجه نبودند ، لکن از آنجا که قرآن چندین بار بر وضوح و روانی پیامش اشاره داشته است ، ( برداشت ) وحی ( به‌مراه دیگر صفات ) می‌بایستی در شکل دستخطی واضح و بویژه خط نسخ منعکس شود . به عبارت دیگر زمانیکه قرآن بر وضوح و روشنی خود تاکید می‌ورزد در واقع به این حقیقت اشاره می‌کند که در هماهنگی کامل با احتیاجات طبیعی فهم بشر ، بروی نازل شده است . ناگزیر دستخطی که به بهترین نحوی بتواند این موضوع را منعکس کند ، دستخطی است که در رویا رویی با احتیاجات طبیعی بصری انسان از امکانات گسترده‌ای برخوردار باشد . خط نسخ واجد چنین صفتی است و به یمن داشتن همین صفت می‌توان آن را یکی از " انسانی ترین " دستخط‌ها به شمار آورد .

در عین حال " انسانی " بودن این دستخط بهیچ روی متعارض هستی هنر مقدس بودن آن نیست ، چه " انسان " خود مقدس است و فقط اوست که در میان همه‌ی موجودات سزاوار محرمیت خدای بر حق است ، مضافاً اینکه این مفهوم خود یکی از معانی " انسان " در زبان عربی است .

---

۱ - در متن انگلیسی این واژه نسخی آورده شده و صفت از کلمه‌ی نسخ ، و به معنای دستخط و در مفهوم ادبی کلمه به معنی دستخطی است .

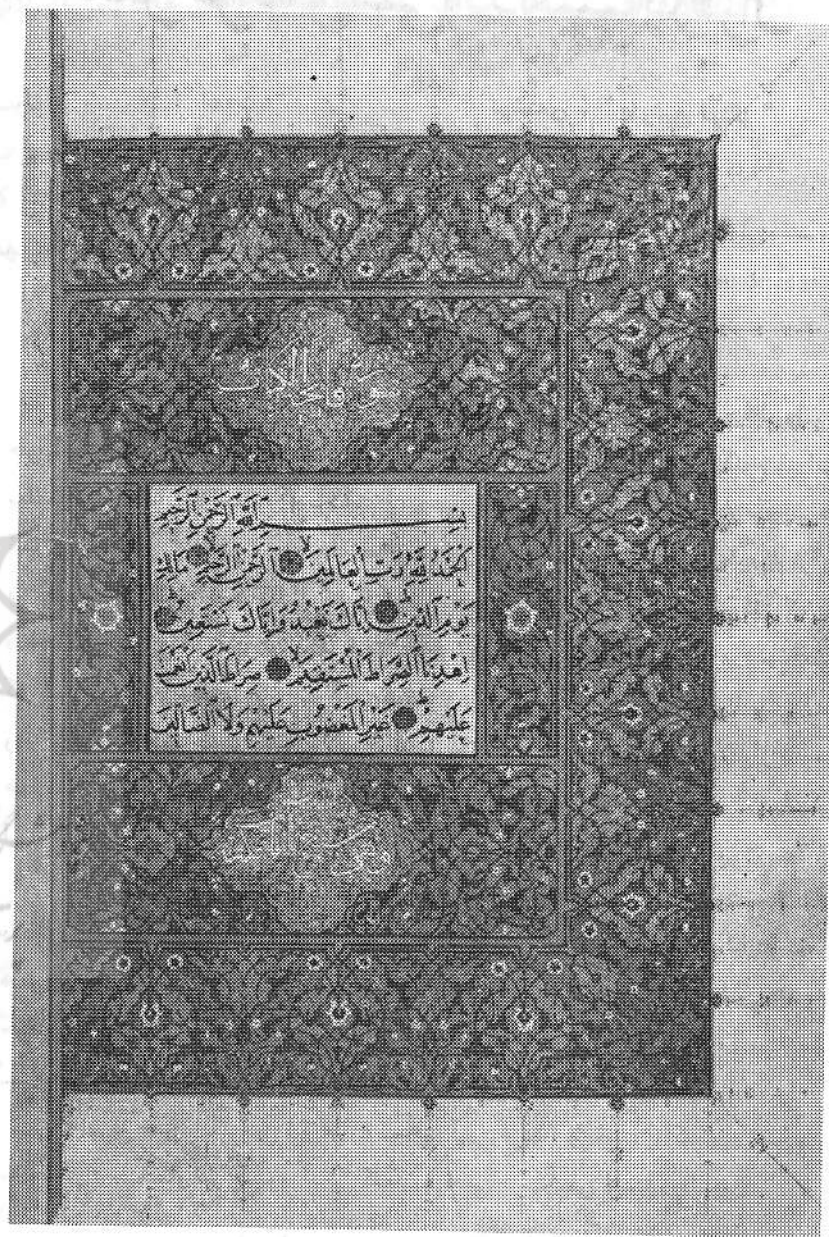
و در این میان خط نسخ حکم یکی از چرخهای محرک این پیوند را دارد. در عین حال محرمیت تلویحا "متضمن راحتی ارتباط است و قرآن نوشته شده به خط نسخ، دری گشاده است بر چنین ارتباط ممکن. چه متن قرآن از یکسو متضمن پیامی الهی است و از سوی دیگر اگر حفظ شود، در حکم پاسخی (مربوط به شاعر) دینی نسبت به پیام است، در چنین حالتی هر چه دستخط ساده تر باشد، دریافت پیام و پاسخ بدان برای بشر سهل تر است.

با یاد آوری مطالبی که قبلا "در باره تفاوت نویسندگی و ترسیم گفته شد، لازم به توضیح است که خط نسخ از این نقطه نظر (همچنانکه از دیگر جهات) مقابل خط کوفی راست گوشه ای قرار می گیرد. با توجه به این مطلب و با توجه به حدود مقدرات هنر مقدس، می توان گفت که عامل ترسیم در خط نسخ حذف گردیده است. لکن از آنجا که خط بیوسته و واضح معمولی نیز چون دیگر اشکال کتابت کم و بیش محتاج جنبه یی تصویری است و از آنجا که در این روند خط نسخ ناچار از گذر از مرحله ای در حیطه ی تاثیر خط کوفی است، در این مرحله بیش از آنکه نوشته شود، ترسیم می گردد.

در اولین دهه ی قرن چهارم / دهم خوش نویسی بنام ابن مقله

(۹۴۰ - ۳۲۸) دستخطی را بنا نهاد که دقیقا "منسوب و یا ابعاد حروف آن متناسب با هم بود، بدین ترتیب که اندازه ی هر حرفی را می شد نسبت به طول حرف الف تعیین کرد. این مبنای ریاضی در کتابت مدد کرد تا سایر خوش نویسان و بویژه ابن البواب (۱۰۲۲ - ۴۱۳) بتوانند با گشاده دستی و زیبایی در دست خطی که به خط نسخ شناخته شد، بنویسند. ناگفته نماند که هیچ دستنبنشته ای از این مقله به ما نرسیده است و تصویر تنها صفحاتی را نشان میدهد که اندازه ی اصلی قرآنی است که ظاهرا "تنها قرآن بجا مانده از ابن البواب است.

چنانکه خواهیم دید این دستخط در رابطه با شرط لازمی که در رویا رویی احتیاجات بصری انسانی از آن سخن رفت حائز اهمیت است. یکی دیگر از جنبه های "انسانی" خط نسخ بر آورد احتیاجات "دست" بشر است - این مطلب خود متضمن دو معناست - زیرا این خط نه تنها در خدمت جاری شدن خود بخودی مهارت های دست بشر قرار می گیرد، بلکه امکان میدهد تا قرآن در اندازه ای که



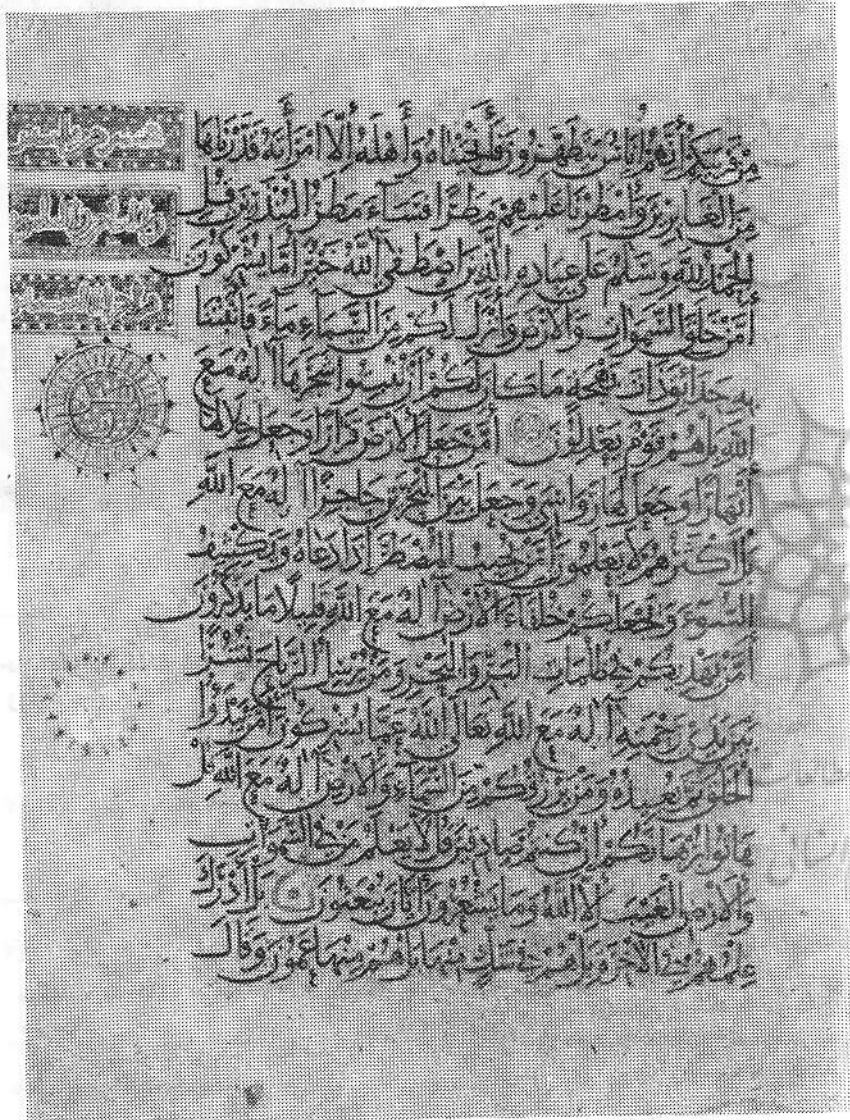
سادگی قابل حمل و استفاده باشد نوشته شود ۳.

معیاری در دست نیست. کوچکترین قرآنی که بدین دستخط نوشته شده به " غبار" ( ) معروف است و از قرن هشتم و چهاردهم به بعد و حتی پیش از آن، یکی از صنایع دستی سنتی اسلامی نوشتن همین قرآن های غبار بوده است که با چشم غیر مسلح تقریبا قابل خواندن نیست و فقط به کار همراه داشتن و تعویذ می آید. در کتابخانه ی بریتانیا در جمع چنین قرآن های کوچکی، قرآنی نفیس وجود دارد که در سال ۱۳۲۸ هجری در سبزوار نوشته شده است. از نوشته ی کلوفن این قرآن چنین بر می آید که این شصت و نهمین قرآنی است که خطاط نوشته و به خواست خدا امیدوار است که بتواند صد قرآن دیگر را نیز قبل از مرگ بنویسد.

گفته میشود که برتری ابن البواب تنها تا اواخر قرن سیزدهم بجای بود و در این زمان دستخط وی را دستخط " یاقوت المعتمی " که گاهی او را " سلطان خوش نویسان " می خوانند عقب گذاشت. و نیز گفته میشود که " یاقوت " را نیز خوش نویسان عثمانی- ترک و صفوی قرون شانزده و هفده پشت سر گذاردند. البته در این مورد خواننده ی این سطور خود می تواند صاحب نظر باشد لکن پرداختن به این سلیقه ها چندان لازم نیست چه خوش نویسی ابن البواب خود نقطه ی اوجی است متکامل و همین مطلب در مورد دستخط کم قدرت تر لکن دلنشین تر " یاقوت " نیز صادق است.

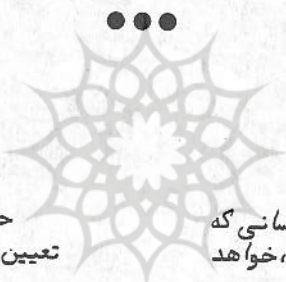
سایر دستخط ها یا از خط نسخ و یا از بخشی از این خط ریشه گرفتند که مهم ترین آنها خط نستعلیق است که در قرن پانزدهم در ایران بوجود آمد. خط نستعلیق در شکل اصلی آن چنانکه از تصویر بر می آید بسیار کوبنده است، لکن تحولات بعدی این خط کمتر تصویری شد و از قرن هفدهم به بعد بندرت به منظور نگارش به کار رفت. ناگفته نماند که در شبه قاره هند نیز مشابه خط نسخ معمولی، شاخه ای هندی وجود دارد که در خوش نویسی قرآن به کار می رود.

در خاتمه دور از صواب نیست اگر بگوئیم خط نسخ کارگزاری خطیر دستخط



قرآنی را از نقطه نظر عملی و عینی بر عهده داشته است و حداقل ما ترک آن چیزی است که خوش نویسان بزرگ قرن پنجم / یازدهم و دهم / شانزدهم بتدریج بآن حیات بخشیدند و آن خط نسخ استاندارد است برای نوشتن قرآن هایی بلندنازی متوسط. قرآنی که از آن به بعد الگوی هزاران زن و مرد در سراسر شرق مسلمان بوده است. گذشته از کیفیت، کمیت کار نیز براستی احساسات شخص را بر می انگیزد. بویژه آنکه بشمار قرآن هایی که به طرزی زیبا و به خط نسخ نگارش یافته اند همه گواه آنند که در خلال قرون این صنعت گران گروه کثیری را در زمره ی اشراف در آورده است.

ادامه دارد



## آزادی و ....

حدود آزادی را عدالت و حق تعیین میکنند.

بذر آزادی از گور کسانی که در راه آزادی کشته شده اند، خواهد روئید.

ژرژ رفار: نویسنده فرانسوی (تولد ۱۸۶۴ - مرگ ۱۹۱۰)

والث ویتمن

شورشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مرکز مطالعات و تحقیقات اجتماعی  
پژوهشگاه علوم انسانی

ما در پی کسب قدرت و ثروت - که انگیزه همه جنگها و دشمنی هاست - نیستیم، بلکه ما خواهان آزادی هستیم که هیچ انسان بر - گزیده ای آن را از دست نمی دهد مگر همراه زندگی اش.

کسی که در راه آزادی مبارزه میکند، به خاک می افتد اما نمی میرد.  
کریستو - بوتف: شاعر و آزادیخواه بلغاری (تولد ۱۸۴۸ - مرگ ۱۸۷۶)

سالوستیوس: مورخ رومی (تولد ۸۶ - مرگ ۳۵ میلادی)